

سه پهباد اطلاعاتی مقاومت لبنان بر فراز نیروها و تجهیزات اسرائیلی در منطقه «کاریش» به پرواز درآمدند

نمایش قدرت حزب الله در مدیترانه

در پی بالا گرفتن تنش‌ها بین بیروت و تل‌آویو بر سر تکاپوی رژیم صهیونیستی برای دست‌اندازی بر میدان کاری کاریش در دریای مدیترانه، حزب‌الله لبنان با په پرواز درآوردن سه پهباد اطلاعاتی بر فراز این منطقه مورد مناقشه، ارتش رژیم صهیونیستی را به چالش کشید. سران امنیتی تل‌آویو بعد از این قدرتمایی، به نگرانی خود از توان دریایی و هوایی حزب‌الله اذعان داشتند.

چگونه توجه به امنیت روانی جامعه می‌تواند امنیت ملی را تضمین کند؟

امنیت روانی، نیازمند پیوست رسانه‌ای

امنیت روانی یکی از نیازهای اولیه بشر بوده و آن را می‌توان در سه سطح فردی، اجتماعی و ملی مورد مطالعه قرار داد. امنیت روانی، احساس آسایش و رفاه در زمان حال و احساس اطمینان خاطر از آینده است؛ به این معنا که عواملی موجب ترس، وحشت و ناامیدی جامعه نباشد. بر این اساس، امنیت روانی در زمانی تحقق می‌یابد که جامعه از عوامل تهدیدزا در امان باشد.

نگاهی به جنگ رسانه‌ای دشمنان علیه ایران

قاتلان امید جلادان حقیقت

اگر امید و انگیزه با شناختی

درست از واقعیات همسو

شود، شکست دسیسه‌های

دشمن در جنگ شناختی

امکان‌پذیر خواهد بود و

جلادان حقیقت در رسانه‌های

فاسد خود، با جعل گزاره‌های

دروغین، تقلیل دستاوردها

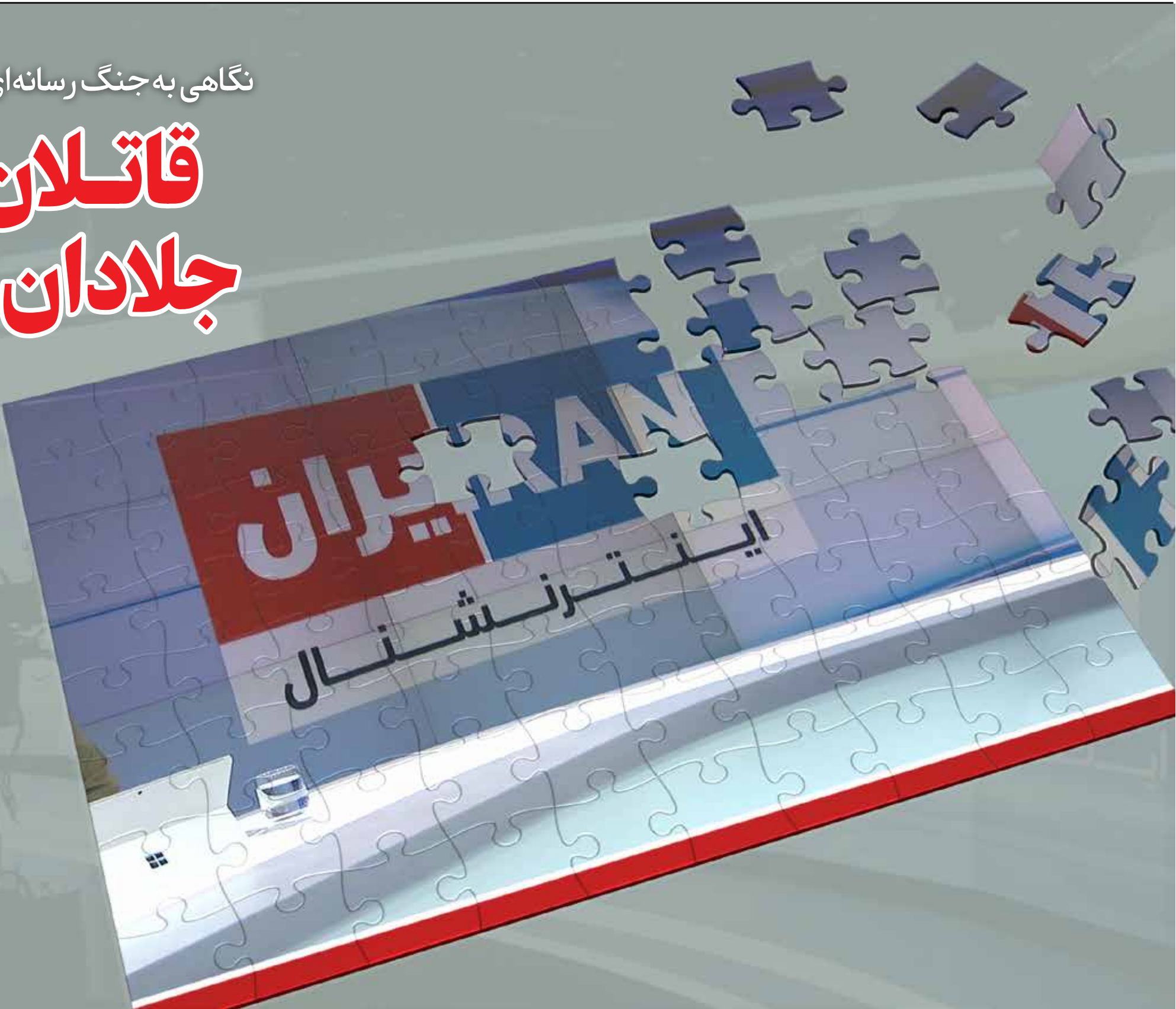
و تکثیر و تکرار ضعف‌ها

نخواهند توانست مانع از

پیشرفت ملت‌های مستقل

شوند

در همین صفحه بخوانید



از جنگ جهانی دوم نیز با ۲ میلیون کشته، ۴۰ درصد ویرانی کامل سرزمین و اقتصادی فلج شده، توانست طی ۳۰ سال مجاهدت ملی و تبدیل کار مفید به فرهنگ عمومی، خود را به رشد اقتصادی ۱۰ درصدی برساند و بعدها الگوی صادرات تجاری شود. همچنین شعیبان لبنان نمونه‌ای دیگرند که در سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰ توانستند با پیروی از امام موسی صدر و تقویت خودباوری، عقب‌ماندگی، فقر و فساد را از خود دور کرده و با سوادآموزی و اشتغالزایی و ایجاد تشکیلات فرهنگی، آموزشی، نظامی، از انزوا و پذیرش ظلم دولت مرکزی خارج شوند. پس ابتدا خود را اسامان دادند و سپس لبنان را از تجاوز و تفرقه دور کردند تا در منطقه جریانی درخشان باشند.

مضاف بر اینها نمی‌توان انقلاب اسلامی ایران را که توانست با دست خالی اما متکی بر ایمان دینی مردم پس از یک دوره ۲۰۰ ساله اتخاذ رویکرد موازنه مثبت و حرف‌شنوی از دشمنان، شکست مشروطه، سقوط دولت ملی و سرکوب قیام ۱۵ خرداد ۴۲، در برابر پنجمین ارتش وابسته جهان و سلطنتی تحت‌الحمایه ابرقدرت‌ها، به پیروزی برسد، معجزه امید و اراده ملی‌نماید. زیرا کلید عبور از چالش‌ها و برون‌رفت از مشکلات در گرو زنده‌بودن روح امید به آینده‌ای روشن و باور عمومی به اعجاز اراده ملی از طریق بازگشت به پایه‌های دینی و خوداتکالی عمومی است؛ فلذا اراده ملت‌ها مؤثرترین اصل در تعیین سرنوشت آنها است.

اگر امید و انگیزه با شناختی درست از واقعیات همسو شود، شکست دسیسه‌های دشمن در جنگ شناختی امکان‌پذیر خواهد بود و جلادان حقیقت در رسانه‌های فاسد خود، با جعل گزاره‌های دروغین، تقلیل دستاوردها و تکثیر و تکرار ضعف‌ها نخواهند توانست مانع از پیشرفت ملت‌های مستقل شوند.

که در جنگی شناختی، هویت اسلامی و خصوصیات فرهنگی خود را به فحشا و جدال و بطالت فروخته بودند، برای مقابله مؤثر با حملات متعدد مسیحیان کاستیل و آراگون، بی‌انگیزه باشند. آنان در پیمان ۵۶ ماده‌ای سانتافه نیز با ساده‌لوحی کامل از وعده‌های دشمن فریب خوردند و از آنجا که مردانه نجات‌بخش آنگاه که سرزمین‌شان را به یغما بردند، چون زنان می‌گریستند! تضييع امید اجتماعی و تغییر تصور نسبت به دستاوردهای موجود و توانایی‌های بالفعل و بالقوه یک ملت، سازوبرگی است که یک دولت متخاصم در جنگ شناختی برای فروپاشی جامعه‌ای مؤثر تدارک می‌یابد. چراکه اگر امید یک ملت بمیرد، اراده‌اش کشته خواهد شد و اگر حقیقت پوشانده شود، تصویری از آینده‌ای روشن، برای عبور از بحران‌ها یا اهتمام به دفاع از باورها باقی نخواهد ماند.

شاهد مثال دیگر تاریخ افول صفویان است. شاه سلطان حسین پس از آنکه گرفتار فساد دربار، تفرقه در میان قزلباش و تاجیک و جدال بین صوفی و فقیه شد، به دست محمود افغان و با خیانت امیر کرمان شکست خورد و اصفهانی که نصف جهان نامیده می‌شد و مایه بهت تجار، سیاحان و وزیران اروپایی بود، سقوط کرد. اما همین سرزمین اشغال شده و آشفته از جنگ، با ظهور دولت افشاری در کمتر از ۱۵ سال توانست لشکری تشکیل دهد که عثمانی و روس در شمال را به عقب براند.

آلمان اگرچه در اهداف و مبانی سیاسی مسیر غلطی طی کرد، اما با تلاش و امید ملی در مدتی کمتر از ۳۰ سال، به قطب تولید اروپا تبدیل شد و نظامی مقتدرتر از قبیل با امکاناتی پیشرفته‌تر تدارک دید. ژاپن شکست‌خورده پس

در حوزه اعمال نفوذ به

کشورها و روش‌های نوین

تقابل و تحصیل قدرت نیز،

از یک دهه گذشته حوزه

جدیدی ملحوظ توجه

قرار گرفته، به نام «جنگ

شناختی» که از طریق تأثیر

تدریجی بر ادراک افراد

و تغییر تصور نسبت به

واقعیت درونی و حقیقت

بیرونی افراد، آنان را در

تصمیمات و رفتار خود کنترل

و جهت‌دهی می‌کند. این

حوزه به‌طور مستقیم بر

روان مخاطب و قوه خیال

او نسبت به اشخاص و

جریانات از طریق تغییر

داده‌های گزینش‌شده تمرکز

دارد، تا باور، عواطف و

انگیزه‌های وی را تحت تأثیر

قرار دهد

تخریب و تمسخر گذشته از بین ببرد و دوم با تکرار دروغ درباره ضعف و شکست قریب‌الوقوع شما در فرم‌هایی متنوع و گسترده، از تلاش بیشتر در راه اهداف منصرفتان کند. در اینجا احساس حقارت، نادانی، شرم، پشیمانی، سرخوردگی، تنفر و عقب‌ماندگی را نسبت به یکایک گزاره‌هایی که شخصیت شما را شکل داده، پدید می‌آورد. در خرده موضوعاتی که مدام تولید و تبلیغ می‌کند، شما را وادار به اتخاذ تصمیماتی نادرست و انتخاب‌هایی خلاف مصالح و منافع‌تان به‌جای پیگیری تصمیمات و انتخاب‌های درست پیشین کند.

به عنوان مثال برای ایجاد انحرافات اخلاقی در جوانان مذهبی ایبریا - اندلس و تضعیف مسلمانان قرن پانزدهمی اسپانیا پس از هشت قرن حکومت اسلامی، ابتدا اهمیت کار و فلسفه تلاش را در اندیشه مردمان زیر سؤال بردند و به لذت و خوش‌گذرانی و تفریح ضریب دادند؛ سپس ارزش اخلاقیات فردی، علم‌اندوزی و خدمات اجتماعی را با ترویج تفاخر به تملکات مادی و تجملات مصرفی تنزل داده و شراب‌خواری را با فقه انحرافی امویان قرطبه توجیه کردند.

بنابراین بتدریج اعتقاد به احکام اسلامی سست شد و باور به غیرت دینی و محرمات جنسی مورد تردید قرار گرفت تا چرایی خصومت با مسیحیان رودریگو و تقبیح پادشاهی ویزیگوت، زیر سؤال برود. پس از این یاب تفرقه میان مسلمین باز شد و با افول ایمان و حرف‌شنوی از تحریکات مسیحیان شمالی، حرمت جان و مال و نوامیس در منازعات قومی نقض شد و فساد امرای محلی مانع از ایجاد صلح و سازش شد. دیگر می‌شد حدس زد، مسلمانانی

زیست و ساختار تفکر جامعه هدف تأثیر گذارده و تلاش دارد که از طریق ایجاد تغییر در منطق تحلیلی او، محاسباتش را نسبت به مطلوب‌های شخصی و جمعی، به خطا یا انحراف بکشانند. این غلط محاسباتی به آسیب در بافتار حیاتی و از دست دادن شاخصه‌های هویتی آن ملت می‌انجامد که در جهت کنترل کامل رفتارهای او طراحی شده است.

به‌عنوان مثال امریکا با ادعای سفر به ماه در پروژه آپولو و ایجاد پروپاگاندای رسانه‌ای جنگ ستارگان در بزرگنمایی آن به عنوان دستاوردی علمی - تکنولوژیک در دهه ۶۰، تصرف فضا را عنصر برتری خود جا زد. بنابراین شوروی با صرف هزینه‌هایی سرسام‌آور تلاش کرد تا با دستیابی به توان ساخت فضاییما و پای گذاشتن روی ماه، در این رقابت برابری کند. اما نمی‌دانست اصل مدعا برای ترغیب وی به‌صرف بودجه ملی در چاه ویل پروژه‌های فضایی است تا با ایجاد ناراضیاتی اجتماعی، مشروعیتش تضعیف و اتراق حاکمیت و مردم تشدید شود. جدای از آنکه اساساً مدعای سفر به ماه و اهمیت استراتژیک این عرصه نیز، فریبی از پیش تنظیم‌شده برای خطای محاسباتی دولتمردان رقیب بود.

عمده‌ترین راه ایجاد جنگ شناختی از طریق شبکه‌های رسانه‌ای و ارتباطات فرهنگی است که بیشترین تأثیر را بر ساخت تصاویر ذهنی و مهندسی منطق افراد دارد و می‌تواند احساسات و تمایلات آنها را به‌مرور جهت‌دهی کند. از طرفی مهم‌ترین کارکرد آن ایجاد شک در باورهای پیشین و تزریق ارزش‌های جدید به‌جای آنها است. دشمن در جنگ شناختی اول تلاش می‌کند انگیزه‌های را که منجر به حرکت نیروهای خود به کار گرفته‌اید! این جنگ بر سلیقه و عادات، مزاج و امیال، نحوه

در فراز و فرود حوادث تاریخی، آنچه یک ملت را از اوج اقتدار و عزت به قعر ذلت و

دولت‌های می‌کشاند، فروپاشی تدریجی اعتماد و باورها و در هم شکستن انگیزه‌ها و امیدها به دستاوردهای گذشته و داشته‌های کنونی و خوشبینی نسبت به دنیای آینده است. در تاریخ روابط بین‌الملل تنها ملت‌هایی از آرامش و امنیت برخوردار شده و از موضعی پیشرو با دیگران تعامل داشته‌اند که دارای چند خصوصیت عمده در ذات خود بوده‌اند:

۱. وحدت اجتماعی و اجتناب از تفرقه ملی و تعارضات قومی - مذهبی - سیاسی میان ملت و حکومت ۲. اراده پیگیر و با برنام‌ه در تحقق اهداف اصلی و رفع موانع جاری ۳. ایمان به حقانیت مسیر خود و عدم تردید در عداوت و بطلان دشمنان ۴. دفاع از ارزش‌های بومی و تقابل با نفوذ فکری فرهنگی اجانب ۵. از خودگذشتگی و

فداکاری عمومی و ترجیح نفع دیگری بر خود. در حوزه اعمال نفوذ به کشورها و روش‌های نوین تقابل و تحصیل قدرت نیز، از یک دهه گذشته حوزه جدیدی ملحوظ‌توجه قرار گرفته، به نام «جنگ شناختی» که از طریق تأثیر تدریجی بر ادراک افراد و تغییر تصور نسبت به واقعیت درونی و حقیقت بیرونی افراد، آنان را در تصمیمات و رفتار خود کنترل و جهت‌دهی می‌کند. این حوزه به‌طور مستقیم بر روان مخاطب و قوه خیال او نسبت به اشخاص و جریانات از طریق تغییر داده‌های گزینش‌شده تمرکز دارد، تا باور، عواطف و انگیزه‌های وی را تحت تأثیر قرار دهد.

بمب اتم بسازید و بر سر رقیب بریزید؛ بلکه سلسله اقداماتی را بی‌می‌گیرید که

در نهایت همان ملت و دولت اهداف و نمایه‌های قدرت سخت و تحسین آن برای آبادسازی دنیای شما مهاجرت کنند تا در خدمت به دستگاه فکری‌تان حاضر و برای انجام اهداف مادی‌تان بسیج شوند! چراکه توانسته‌اید او را متقاعد کنید که از تاریخ و اندیشه‌های برتر برخوردارید و امنیت و پیشرفت او در گرو قبول اراده و تبعیت از خواست شما است. در اینجا جنگ ویران‌تری اتفاق افتاده، بی‌آنکه گلوله‌ای شلیک شود و آثاری از جراحت در ناحیه‌ای جز مغزها نمایان باشد، چراکه بدون اعمال خشونت و بدنامی، هم مالک داشته‌های رقیبتان شده و هم سربازان او را به‌عنوان نیروهای خود به کار گرفته‌اید! این جنگ بر سلیقه و عادات، مزاج و امیال، نحوه

محمد جلیلی
 دانشجوی دکتری علوم سیاسی

دولت‌های می‌کشاند، فروپاشی تدریجی اعتماد و باورها و در هم شکستن انگیزه‌ها و امیدها به دستاوردهای گذشته و داشته‌های کنونی و خوشبینی نسبت به دنیای آینده است. در تاریخ روابط بین‌الملل تنها ملت‌هایی از آرامش و امنیت برخوردار شده و از موضعی پیشرو با دیگران تعامل داشته‌اند که دارای چند خصوصیت عمده در ذات خود بوده‌اند:

۱. وحدت اجتماعی و اجتناب از تفرقه ملی و تعارضات قومی - مذهبی - سیاسی میان ملت و حکومت ۲. اراده پیگیر و با برنام‌ه در تحقق اهداف اصلی و رفع موانع جاری ۳. ایمان به حقانیت مسیر خود و عدم تردید در عداوت و بطلان دشمنان ۴. دفاع از ارزش‌های بومی و تقابل با نفوذ فکری فرهنگی اجانب ۵. از خودگذشتگی و

فداکاری عمومی و ترجیح نفع دیگری بر خود. در حوزه اعمال نفوذ به کشورها و روش‌های نوین تقابل و تحصیل قدرت نیز، از یک دهه گذشته حوزه جدیدی ملحوظ‌توجه قرار گرفته، به نام «جنگ شناختی» که از طریق تأثیر تدریجی بر ادراک افراد و تغییر تصور نسبت به واقعیت درونی و حقیقت بیرونی افراد، آنان را در تصمیمات و رفتار خود کنترل و جهت‌دهی می‌کند. این حوزه به‌طور مستقیم بر روان مخاطب و قوه خیال او نسبت به اشخاص و جریانات از طریق تغییر داده‌های گزینش‌شده تمرکز دارد، تا باور، عواطف و انگیزه‌های وی را تحت تأثیر قرار دهد.

بمب اتم بسازید و بر سر رقیب بریزید؛ بلکه سلسله اقداماتی را بی‌می‌گیرید که

در نهایت همان ملت و دولت اهداف و نمایه‌های قدرت سخت و تحسین آن برای آبادسازی دنیای شما مهاجرت کنند تا در خدمت به دستگاه فکری‌تان حاضر و برای انجام اهداف مادی‌تان بسیج شوند! چراکه توانسته‌اید او را متقاعد کنید که از تاریخ و اندیشه‌های برتر برخوردارید و امنیت و پیشرفت او در گرو قبول اراده و تبعیت از خواست شما است. در اینجا جنگ ویران‌تری اتفاق افتاده، بی‌آنکه گلوله‌ای شلیک شود و آثاری از جراحت در ناحیه‌ای جز مغزها نمایان باشد، چراکه بدون اعمال خشونت و بدنامی، هم مالک داشته‌های رقیبتان شده و هم سربازان او را به‌عنوان نیروهای خود به کار گرفته‌اید! این جنگ بر سلیقه و عادات، مزاج و امیال، نحوه